

▼ یکی برای همه، همه برای یکی؟

اروپایی‌های می‌دانند که برای متوقف کردن این چرخه معیوب چه کاری باید انجام دهند. نقشه راه برای یک اتحادیه اروپای قوی‌تر در سال ۲۰۲۴ با دو گزارش جامع توسط دو نخست‌وزیر سابق ایتالیا ترسیم شد که هدف آن تکبیه بر موفقیت‌های صندوق بهبود وضعیت پس از همه‌گیری کووید بود. انریکو لتا و ماریو دراگی پیشنهاد تعمیق بازار واحد اتحادیه اروپا در زمینه‌هایی مانند امور مالی، انرژی و فناوری و ایجاد یک ابتکار سرمایه‌گذاری بزرگ جدید از طریق وام‌گیری مشترک را دادند.

اما به‌رغم توجه مثبتی که در ابتدا به این پیشنهادها شد، اکثر آنها تنها یک سال بعد همچنان بی‌نتیجه باقی مانده‌اند. رهبران اروپایی با رأی‌دهندگان روبرو هستند که نگران هزینه‌های زندگی، تردید در مورد یکپارچگی بیشتر و حساسیت به هرگونه ابتکار بدهی مشترک هستند. بنابراین، آنچه مورد نیاز است، یک طرح حداکثری دیگر نیست، بلکه تلاشی متمرکز است برای رسیدن به آنچه هنوز از نظر سیاسی قابل دستیابی است. اگر چه هیچ راه‌حل واحدی وجود ندارد، اما اتحادیه می‌تواند گام‌های کوچک‌تری در زمینه دفاع و تجارت بردارد که وابستگی‌اش به ایالات متحده را کاهش دهد و می‌تواند در روابط خود با چین و سیاست انرژی خود تغییراتی ایجاد کند که باعث بازگرداندن اقتدار و تقویت استقلال اتحادیه شود.

اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر تلاش کرده است تا به مشکل معماری امنیتی خود رسیدگی کند. به عنوان مثال، صندوق دفاع اروپا را راه‌اندازی کرده، چارچوبی برای هماهنگی پروژه‌های مشترک ایجاد کرده و مرکز صلح اروپا را تأسیس کرده است که برای تأمین مالی تحول سلاح به اوکراین استفاده می‌شد. همچنین یک سیاست صنعتی دفاعی تدوین کرده و یک طرح آمادگی دفاعی ۲۰۳۰ را پیشنهاد داده است که شامل ابتکارانی در زمینه پهپادها، دفاع سرزمینی، دفاع در فضا و دفاع هوایی و موشکی است. اما این ابزارها هنوز عمدتاً آمانی هستند و وقتی هم که به نتیجه می‌رسند، نتایج محدود و کندی دارند و عمدتاً بر هماهنگی دفاعی -صنعتی و مأموریت‌های کوچک متمرکز هستند.

آنها همچنین پاشنه آشیل اتحادیه اروپا را آشکار کرده‌اند: الزام اتحادیه اروپا به اتفاق آراء در مورد سیاست خارجی و امنیتی. سازمانی که در آن هر ۲۷ عضو حق رأی برابر دارند، به راحتی می‌تواند ناکارآمد شود. به عنوان مثال، اوربان از مجارستان، مذاکرات کمک و الحاق اوکراین به اتحادیه و تحریم‌های روسیه را حداقل ده بار وتو کرده است. فرانتس فان ووت، الیور وارهلی، عضو مجارستانی کمیسیون اروپا، اخیراً بر عضویت در یک شبکه جاسوسی در بروکسل متهم شد، اگرچه این تاکنون فقط یک ادعا است، اما این سوال گسترده‌تر را مطرح می‌کند که آیا هنوز اعتماد سیاسی کافی برای بحث در مورد مسائل حیاتی امنیتی وجود دارد یا خیر.

اعضای اتحادیه اروپا همچنین حساسیت‌های متفاوتی نسبت به ایالات متحده دارند: کشورهای شرقی و شمال اروپا همچنان واشنگتن را به عنوان ضامن نهایی امنیت خود می‌بینند، در حالی که فرانسه، آلمان و بخش‌هایی از جنوب اروپا طرفدار خودمختاری بیشتر هستند. در همین حال، آن دسته از اعضای اتحادیه اروپا که عضو ناتو نیستند، مانند اتریش، ایرلند و مالت، با قوانین بی‌طرفی قانون اساسی که مشارکت در دفاع جمعی را محدود می‌کند، مواجه هستند و چندین عضو، مناقشات دوجانبه حل‌نشده‌ای دارند. مانند اختلاف ترکیه و یونان بر سر قبرس و شرق مدیترانه.

به جای تدوین راه‌حلی از سوی اتحادیه اروپا برای مشکل دفاعی اروپا، مسیر واقع‌بینانه‌تر در یک «اتلاف کشورهای داوطلب» اروپایی نهفته است. گروهی که پیرامون حمایت نظامی از اوکراین گرد هم آمده‌اند، پایه و اساس خوبی برای چنین اتحادی فراهم می‌کنند. اگرچه هنوز غیررسمی است، اما این گروه - به رهبری فرانسه و بریتانیا و شامل آلمان، لهستان و کشورهای شمال اروپا و بالتیک - از طریق جلسات هماهنگی منظم بین وزرای دفاع و پیمان‌های امنیتی دوجانبه، به‌ویژه توافق نامه‌های امنیتی به رهبری اروپا با کی‌یف که سال گذشته در برلین، لندن، پاریس و ورشو امضا شد، شروع به شکل‌گیری کرده است. این ائتلاف، صرف‌نظر از تغییرات سیاسی در ایالات متحده یا در داخل اتحادیه، تعهد خود را به کی‌یف نشان داده است. این کشورها درک می‌کنند که امنیت اروپا در نهایت به دفاع نظامی و بقای ملی اوکراین بستگی دارد.

البته این ائتلاف بی‌نقص نبوده است. تمرکز آن تاکنون بیش از حد انتزاعی و متمرکز بر نیروی تأمین کننده ثبات بوده است و اخیراً توجه خود را به حفظ توانایی دفاعی اوکراین بدون حمایت ایالات متحده تغییر داده است. در ادامه، با تکامل آن، باید بر تقویت، هماهنگی و ادغام نیروهای متعارف تمرکز کند. بازدارندگی هسته‌ای تقریباً یک موضوع تابودر اروپا است، زیرا هیچ جایگزین خوبی برای چتر هسته‌ای آمریکا وجود ندارد: نیروهای بازدارنده هسته‌ای فرانسه و بریتانیا برای مقابله با زرادخانه هسته‌ای گسترده روسیه مجهز نیستند. اما اروپایی کردن چنین عامل بازدارنده‌ای، معضلات بی‌شماری را ایجاد می‌کند؛ مانند تأمین مالی توسعه‌ی توانایی هسته‌ای فرانسه و بریتانیا، تعیین چگونگی تصمیم‌گیری در مورد استفاده از آن، و تأمین پشتیبانی نظامی متعارف مورد نیاز برای فعال کردن یک نیروی بازدارنده و نه‌اجمی هسته‌ای.

با این حال، مسئله چگونگی تضمین بازدارندگی هسته‌ای در اروپا آنقدر حیاتی است که اروپایی‌ها نمی‌توانند به نادیده گرفتن آن ادامه دهند. لهستان و فرانسه با امضای یک پیمان دفاعی دوجانبه در ماه مه، گام اول را برداشتند و رهبران لهستان از ایده امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، برای گسترش چتر هسته‌ای فرانسه به متحدان اروپایی استقبال کرده‌اند. این یک شروع امیدوارکننده است، اما این گفت‌وگوها نباید به صورت دوجانبه انجام شود.

مترجم: آر یاصدیقی

رأی دهندد و رقیب میانه‌رو او را «یک رهبر کاملاً شکست‌خورده» خواند. با این حال، رهبری اتحادیه اروپا به جای رد چنین دخالت خصمانه‌ای در انتخابات، تا حد زیادی در این مورد سکوت کرده است، احتمالاً به این امید که همکاری در جاهای دیگر ادامه یابد. این رویکرد معامله‌گرایانه به وضوح در تحقیقات کمیسیون اروپا در مورد انتشار اطلاعات نادرست در پلتفرم رسانه اجتماعی X، که متعلق به ایلان ماسک، متحد سابق ترامپ است، دیده می‌شود. در ابتدا، بروکسل اتهامات شدیدی علیه X داشت، از جمله اینکه این پلتفرم روایت‌های طرفدار کرملین را تقویت می‌کند. اما از آن زمان تحقیقات کند شده و کم‌اهمیت جلوه داده شده است.

این استراتژی نه‌تنها در ایجاد توافق‌هایی به نفع اروپا شکست خورده است، بلکه هزینه سیاسی نیز دارد: این استراتژی اقدامات غیرلیبرال در ایالات متحده را عادی‌سازی می‌کند و در عین حال فضای خود اروپا را برای دفاع از استانداردهای لیبرال در داخل و خارج از اتحادیه محدود می‌کند. رهبران راست‌گرا پیش از این پیام‌های سیاسی واشنگتن را پذیرفته‌اند. به‌عنوان مثال، پس از اظهارات ونس در مونیخ، مقامات مجارستانی از «واقع‌گرایی» معاون رئیس‌جمهور تمجید کردند و پس از قتل چارلی کرک، شخصیت راست‌گرای آمریکایی، ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان، «چپ نفرت‌پرکن» در ایالات متحده را محکوم کرد و هشدار داد که «اروپا نباید در همان دام بیفتد». در سراسر قاره سبز، احزاب راست افراطی از چنین رخ داده‌هایی برای به تصویر کشیدن خود به عنوان بخشی از یک جریان ضدنخبه غربی استفاده کرده‌اند، در حالی که رهبران جریان اصلی اروپا، با احتیاط از تشدید تنش‌ها با ایالات متحده، از محکوم کردن این لفاظی‌ها خودداری کرده‌اند.

مانند هزینه‌های دفاعی و تجارت، بسیاری در اروپا استدلال کردند که ارزش ندارد به عقب‌نشینی دموکراتیک ایالات متحده حمله‌شود. به هر حال، بعد است که واکنش منفی اروپا بر سیاست داخلی آمریکا تأثیر بگذارد. برخی از طرفداران واکنش منفعلانه‌تر اروپا این نظریه را مطرح می‌کنند که حمایت شدید پیرون ترامپ از راست افراطی در اروپا می‌تواند بدر نبودی خودش را بکارد. در استرالیا و کانادا، نامزد‌های پیش‌نژاد طرفدار ترامپ در انتخابات بهار ۲۰۲۵ شکست خوردند. برخی نتایج اولیه نشان داد که این استراتژی می‌تواند در اروپا نیز مؤثر باشد. برای مثال، ونس و ماسک، حمایت کامل خود را از حزب راست افراطی آلمان اعلام کردند، اما این حمایت هیچ تأثیر قابل توجهی بر نتیجه انتخابات آلمان نداشت. در رومانی، نامزد پیش‌نژاد طرفدار روسیه و طرفدار ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری شکست خورد، و در هلند، لیبرال‌ها بازگشت چشمگیری داشتند. اما در لهستان، نامزد مورد حمایت نوئم در نهایت در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شد. در جمهوری چک، میلیاردر پوپولیست طرفدار ترامپ پیروز شد. در حالی‌که شواهد هنوز قطعی نیست، اما آنچه واضح است این است که مماشات، محافظت کمی در برابر گرایش غیرلیبرال اروپا به همراه داشته است. اتحادیه اروپا با تضعیف دفاع از ارزش‌های دموکراتیک در خارج از اتحادیه، کاهش فرسایش آنها در داخل را دشوارتر کرده است.

خودشان به تنهایی مذاکره کنند: خودروسازان آلمانی فولکس واگن، مرسدس بنز و بی‌امو مذاکرات موازی خود را با دولت ترامپ در مورد تعرفه‌های خودرو انجام دادند. تا اواخر ژوئیه ۲۰۲۵، پس از ماه‌ها فلج شدن اتحادیه اروپا، بروکسل تعرفه‌های ۱۵ درصدی ایالات متحده بر اکثر صادرات اتحادیه اروپا را پذیرفت: پنج درصد بیشتر از آنچه بریتانیا مذاکره کرده بود.

رهبران اروپایی در مواجهه با انتقادات داخلی فزاینده از این توافق، دوباره ادعا کرده‌اند که اتحادیه اروپا چاره دیگری نداشته است: آنها استدلال می‌کنند که از آنجایی که ترامپ مصمم به اعمال تعرفه‌ها بود، تعرفه‌های تلافی جوانبه فقط به واردکنندگان و مصرف‌کنندگان اروپایی آسیب می‌زد. از این نظر، تلافی جویی به معنای شلیک به پای خود بود. بدتر از آن، این می‌توانست خشم ترامپ را برانگیزد و او را به حمله علیه اوکراین یا ترک ناتو وادار کند. اروپایی که اخاذی اقتصادی فرآآلاتنیکی را به عنوان یک واقعیت زندگی بپذیرد، اروپایی است که اجازه می‌دهد قدرت بازارش فرسایش یابد و در عین حال راست افراطی را جسورتر کند. طبق یک نظرسنجی معتبر که اواخر تابستان گذشته در پنج کشور بزرگ اتحادیه اروپا انجام شد، ۷۷ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که توافق تجاری اتحادیه اروپا و ایالات متحده «عمدتاً به نفع اقتصاد آمریکا است» و ۵۲ درصد موافق بودند که این توافق «تحقیرآمیز» است. تسلیم اروپا نه‌تنها ترامپ را قوی جلوه می‌دهد، و جذابیت تقلید از سیاست‌های ملی‌گرایانه او را افزایش می‌دهد، بلکه منطق اصلی یکپارچگی اروپا را نیز از بین می‌برد: اینکه یک اروپای متحد می‌تواند منافع خود را به طور مؤثرتری نمایندگی کند.

اگر بریتانیای پس از برگزیت بتواند از ترامپ توافق تجاری بهتری نسبت به اتحادیه اروپا به دست آورد، بسیاری به درستی از خود خواهند پرسید که چرا باید به اصول اتحادیه اروپا پایبند بمانند. خشن‌ترین سازش اروپایی‌ها بر سر ارزش‌های دموکراتیک بوده است. در طول سال ۲۰۲۵، ترامپ حملات خود را به مطبوعات آزاد تشدید کرده، علیه نهادهای مستقل دولتی اعلام جنگ کرده و با اعمال فشار سیاسی بر قضات برای جانبداری از خودش، حاکمیت قانون را تضعیف کرده است و او این مبارزه را به اروپا نیز کشانده است: جی. دی. ونس، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده، و کریستی نوئم، وزیر امنیت داخلی، آشکارا در انتخابات آلمان، لهستان و رومانی دخالت کرده یا از یک طرف جانبداری کرده‌اند. برای مثال، ونس در کنفرانس امنیتی مونیخ در فوریه ۲۰۲۵ با اولاف شولتز، صدراعظم آلمان، ملاقات نکرد، اما با الیس وایدل، رهبر حزب راست افراطی آلمان دیدار کرد و علناً از سیاست دیوار آتش آلمان که این حزب را از مذاکرات ائتلاف اصلی کنار می‌گذارد، انتقاد کرد. ونس در مونیخ همچنین از ابطال دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری در رومانی توسط دادگاه قانون اساسی آن کشور با توجه به شواهد قابل توجه نفوذ روسیه از طریق تیک‌تاک، انتقاد کرد. او در سخنرانی خود گفت که بزرگ‌ترین تهدید برای اروپا از «درون» ناشی می‌شود و دولت‌های اتحادیه اروپا از رای مردم می‌ترسند. در همین حال، نوئم گام خارق‌العاده‌ای برداشت و آشکارا از حضار در جاسینوئکا، لهستان، خواست تا به کارول ناروکی، نامزد راست افراطی

آمریکا با خت؟

به اروپا برای فرار از تله ترامپ



سیاستمداران



انتخابات برگزار می‌کنم

پس از آنکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا ادهای مکرری مبنی بر اینکه کی‌یف برای جلوگیری از برگزاری انتخابات، از «جنگ استفاده می‌کند» تکرار کرد، رزنسکی گفت که اوکراین «آماده برگزاری انتخابات است.» دوره پنج‌ساله ریاست‌جمهوری «ولودیمیر رزنسکی» مه ۲۰۲۴ پایان یافت اما انتخابات به دلیل اعلام وضع حکومت نظامی در اوکراین به دلیل حملات روسیه در فوریه ۲۰۲۲ تعلیق شده است. رزنسکی پس از اظهارات ترامپ در مصاحبه‌ای جنجالی با نشریه پلینتیکو، در جمع خبرنگاران گفت که در خواست ارائه پیشنهادهایی را خواهد کرد که می‌تواند قانون را تغییر دهد. وی افزود اگر امنیت رای‌گیری با کمک ایالات متحده و سایر متحدان تضمین شود، انتخابات می‌تواند ظرف ۶۰ تا ۹۰ روز آینده برگزار شود. رئیس‌جمهور اوکراین به خبرنگاران گفت: «من اکنون در خواست کرده و این را آشکارا اعلام می‌کنم که ایالات متحده، شاید به همراه همکاران اروپایی‌مان، به من کمک کنند تا امنیت انتخابات را تضمین کنیم.» رزنسکی ادامه داد: «به اعتقاد من، موضوع انتخابات در اوکراین، بیش از هر چیز به مردم با بستگی دارد و این مسئله‌ای برای مردم اوکراین است، نه مردم سایر کشورها. باتمام احترامی که برای شرکایمان قائلم، باید بگویم که این مسئله‌ای مربوط به مردم اوکراین است.»



از اوکراین دفاع می‌کنیم

وزیر خارجه آلمان با بیان این ادعا که روسیه عملیات هیبریدی خود علیه اروپا را شدت داده، تأکید کرد که باید قاطعانه از اوکراین حمایت کنیم. «بوهان واده‌فول» وزیر خارجه آلمان در جریان کنفرانس امنیتی مونیخ در برلین که‌با حضور «مارک‌روته» دبیرکل ناتو برگزار شد، همچنین تأکید کرد: «ما باید قاطعانه از اوکراین حمایت کنیم.» وی همچنین افزود، اروپا و آمریکا نمی‌توانند در مقابل روسیه بایستند مگر اینکه متحد باشند. وزیر خارجه آلمان ادامه داد: «ما در آلمان در حال تلاش برای رسیدن به این هدف هستیم. ما به حمایت از اوکراین ادامه خواهیم داد، از حاکمیت آن دفاع خواهیم کرد و در کنار مردم آن خواهیم ایستاد.» وی به پیشنهاد «فردریش مرتس» صدراعظم آلمان در استفاده از دارایی‌های مسدودشده روسیه برای بازسازی و حمایت از دفاع اوکراین اشاره کرد و آن را امری ضروری دانست. مقام ارشد وزارت خارجه آلمان همچنین خاطرنشان کرد این مسئله قرار است در نشست آتی شورای اروپایی مورد بررسی قرار گیرد و افزود: «این گامی برای ارسال پیامی واضح و شفاف به «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه خواهد بود.»



موضوع نفت بود

رئیس‌جمهور ونزوئلا در پی توقیف یک نفتکش این کشور در آب‌های بین‌المللی در نزدیکی کارائیب و ربایش کارکنان آن از سوی نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا، این اقدام را برابر با «اگرانی دریایی جانی» و هدف اصلی آن را چشم‌داشت به منابع نفتی این کشور آمریکای لاتین دانست. «تیکولاس مادورو» رئیس‌جمهور ونزوئلا در یک سخنرانی پس از توقیف یک نفتکش این کشور توسط ایالات متحده آمریکا گفت: «دیروز نقابشان افتاد؛ موضوع نه پناهنده‌ها، باند‌های تبهکار یا مواد مخدر نبود، بلکه نفت بود.» وی‌گاه خبری کَش ریپورت با انتشار بخش‌هایی از این سخنرانی به نقل از ماشورونوشت: «یک کشتی غیرنظامی تجاری که حامل ۱/۹ میلیون بشکه نفت ونزوئلا به بازارهای جهانی بود، در آب‌های بین‌المللی نزدیک کارائیب مورد حمله قرار گرفت، توقیف و از آن سرقت شد.»